خبر

سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی گلستان منصوب شد

با حکمی از سوی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی گلستان منصوب شد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، ظهر یکشنبه در حکمی از سوی دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، آخوند عبدالحی میرزا علی، به‌عنوان سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی و رئیس دبیرخانه انجمن کتابخانه‌های عمومی گلستان منصوب شد. علیرضامختارپور، دبیرکل نهادکتابخانه‌های عمومی کشور، ضمن تقدیر از اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته در دوران مدیریت رضا قوانلو، طی حکمی آخوند عبدالحی میرزا علی را به عنوان سرپرست اداره کل کتابخانه‌های عمومی و رئیس دبیرخانه انجمن کتابخانه‌های عمومی گلستان، منصوب کرد. لازم به ذکر است، رضا قوانلو از فروردین ۱۳۹۴ به عنوان مدیرکل کتابخانه‌های عمومی گلستان فعالیت داشته است. آخوند عبدالحی میرزا علی نیز از کارکنان باسابقه اداره کل کتابخانه های عمومی استان است و در کارنامه کاری وی امامت نماز جمعه اهل سنت آق قلا و سمت مشاور استاندار گلستان در امور اهل سنت به چشم می خورد.

رویکرد فرمانداری گرگان جذب سرمایه گذار است

فرماندار گرگان با بیان این که کارخانه چرم آق قلا احیا می شود، گفت: رویکرد فرمانداری گرگان جذب سرمایه گذار است و گام های خوبی را هم در این زمینه برداشته ایم. به گزارش مهر، ابوالقاسم صفوی در جلسه شورای اداری شهرستان گرگان اظهار کرد: بودجه شهرستان ۶۵ میلیارد تومان است و این میزان شایسته مردم گرگان نبوده و توسعه ایجاد نخواهد کرد. وی افزود: به دنبال سرمایه گذاران بزرگ کشوری رفته و خوشبختانه قدم های خوبی برداشتیم که اکنون مراحل انتهای خود را طی می کند.صفوی ادامه داد: انشالله در روزهای آتی کلنگ زنی بزرگترین پروژه سرمایه گذاری شمال کشور اتفاق می افتد و زمینه ای برای نشاط اجتماعی فراهم خواهد شد.فرماندار گفت: دو کارخانه مهم لبنی داریم و قریب ۲۰۰ تن شیر روزانه وارد گرگان می کنیم به همین دلیل وارد مذاکره با یکی از کارخانه ها شده تا در چند منطقه دامداری ایجاد کنیم.وی بیان کرد: منطقه ای در تیل آباد آزادشهر انتخاب و مقرر شد که یک دامداری سه هزار الی پنج هزار رأسی ایجاد می شود.فرماندار گرگان افزود: کارخانه پنیر و بستنی سازی هم با همت کارخانه لبنی ایجاد خواهیم کرد.صفوی اظهار کرد: مدیر این کارخانه تمایل دارند که یک هتل چهار یا پنج ستاره احداث کند و برای این عمل نیازمند تسهیلات هستند.وی افزود: میزان دام در استان ما نسبت به سنوات گذشته کاهش یافته و با رایزنی که با جهاد کشاورزی صورت گرفت، مجوز یک دامداری ۱۰ هزار رأسی را گرفتیم که ظرفیت افزایش به ۱۰۰ هزار رأس را هم دارد.

نقاط دسترسی شبکه تلفن همراه در روستاهای گلستان افزایش می یابد

مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان گلستان گفت: با اجرای طرح رومینگ ملی، نقاط دسترسی شبکه تلفن همراه در روستاهای استان گلستان افزایش می یابد.به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی ارتباطات و فناوری گلستان، محمد احمدی با اشاره به اجرای طرح رومینگ ملی اظهار کرد: با اجرای طرح رومینگ ملی، مشترکان تلفن های همراه در ۹۲ نقطه و در اپراتور دیگر در ۸۱ نقطه روستایی از امکانات شبکه تلفن همراه بهره‌مند شدند.وی افزود: در این طرح اگر یک اپراتور در محلی پوشش مناسبی نداشته باشد، مشترک می‌تواند از پوشش شبکه‌ای اپراتور دیگری استفاده کند. احمدی ادامه داد: وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به دنبال ایجاد کیفیت مطلوب خدمات ارتباطی در همه نقاط کشور، طرح رومینگ ملی را اجرا کرده که با اجرای آن، هرگاه مشترک یک اپراتور در محلی دسترسی به پوشش مناسبی نداشته باشد، می‌تواند از پوشش شبکه‌ای اپراتور دیگری که در آن نقطه وضعیت بهتری دارد، استفاده کند

مرمت غیراصولی تیشه به ریشه تاریخ گرگان

حفاری غیرمجاز عمارت قاجاری رضاقلی نژاد در گرگان، به دستور میراث فرهنگی گلستان متوقف شد اما کارشناسان همچنان نگران تکرار این اشتباه به واسطه استفاده از نیروی غیر متخصص در آینده هستند. به گزارش مهر، تخریب آثار و بناهای تاریخی به دلیل فقدان رسیدگی به موقع متولیان میراث فرهنگی با توجیه محدودیت اعتباری، نگرانی کمی برای حامیان و فعالان میراث فرهنگی گلستان نبود که امروز استفاده از پیمانکاران غیرمتخصص هم مزید بر آن شده است. تغییر در مرمت بخشی از پل آق قلا، مرمت غیراصولی جداره دیواره خیابان امام خمینی (ره) گرگان و برخی خانه های تاریخی مانند فاطمی، میرشهیدی و امروز هم حفاری غیرمجاز خانه رضاقلی نژاد حاصل استفاده از نیروی غیرمتخصص در حوزه تخصصی مانند مرمت آثار و بناهای تاریخی است. موضوعی که پس از انتشار در فضای مجازی مسئولان میراث فرهنگی ورود پیدا کرده و کار پیمانکار را متوقف کردند اما با اینحال کارشناسان و فعالان حوزه میراث فرهنگی نگران تکرار این اشتباه به واسطه استفاده از پیمانکاران غیرمتخصص در حوزه میراث فرهنگی هستند.

پیمانکار عمارت قاجاری گرگان پیشینه خوبی نداشت

رئیس انجمن حامیان بافت‌ها و محوطه های تاریخی سرزمین گرگان معماری خانه رضاقلی نژاد را منحصر به فرد می داند و می گوید: از آنجایی که مالک این عمارت یزدی بود معماری بنا هم به صورت کویری ساخته شد و همین امر باعث شده تا خانه رضاقلی نژاد در منطقه خاص باشد. فاتح میرفندرسکی می افزاید: باوجود اهمیت بنای خانه رضاقلی نژاد در انتخاب پیمانکار دقت کافی انجام نشد. او با بیان این که پیمانکار خانه رضاقلی نژاد در گذشته مشابه حفاری غیرمجاز فعلی را در خانه میرشهیدی هم داشته، اضافه می کند: اما کارشناس میراث فرهنگی این اقدام را عادی اعلام کرده است.به گفته این فعال میراث فرهنگی، حفاری غیرمجاز خانه رضاقلی نژاد به قطر ۲ متر و ارتفاع ۱۲ متر توسط پیمانکار انجام شده است که به جز آسیب برای بنا، هیچ توجیه علمی ندارد. میرفندرسکی ضمن یادآوری این نکته که هنوز طرح مرمتی این بنا در میراث فرهنگی استان مصوب نشده، ادامه می دهد: کد مرمت هم برای این خانه تاریخی صادر نشده با این حال پیمانکار حوض را برداشته و حفاری انجام داده است.بر اساس ماده ۵۶۴ قوانین مجازات اسلامی برای متجاوزین به میراث فرهنگی،صنایع دستی و گردشگری هرکس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزئینات اماکن فرهنگی، تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از ۶ ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می گردد. همچنین در ماده ۵۶۰ قوانین مجازات اسلامی آمده هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی – تاریخی مذکور مبادرت به عملیاتی نماید که بسبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود.

حفاری خانه رضاقلی نژاد غیرمجاز بود

سرپرست پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی گرگان هم در این رابطه ضمن تائید اجرای این مواد قانونی برای افراد متخلف، حفاری انجام شده در خانه رضاقلی نژاد را غیرقانونی اعلام می کند و می گوید: هرگونه دخل و تصرف در آثار ثبتی غیرقانونی است و مشمول مجازات می شود. عالیه ملک شاهکوهی می افزاید: پیمانکار این بنای تاریخی مجوزی از میراث فرهنگی استان برای مرمت نداشته است به همین خاطر به محض اطلاع از حفاری دستور توقف کار صادر شد.به گفته او، پرونده این پیمانکار به واحد حقوقی اداره کل میراث فرهنگی استان ارجاع شده در حال بررسی است و مطابق با بندهای قانونی پیگیری خواهد شد و دادخواستی علیه ایشان تحویل دادستانی می شود.با توجه به اینکه عمر بناهای تاریخی مثل عمر انسان تمام می شود و بالاخره روزی فرا می رسد که نفس های آخر خود را بکشد، نباید از یک اثر توقع جاودانگی داشت اما از آنجایی که این آثار و بناها جزو میراث فرهنگی به شمار می روند و تاریخ و پیشینه این سرزمین محسوب می شوند باید تلاش شود تا عمر آثار و بناهای تاریخی بااقدامات اصولی، طولانی یا دست کم از تخریب بیشتر آن جلوگیری شود، بنابراین به نظر می رود اجرای قانون مجازات اسلامی برای متجاوزین به میراث فرهنگی،صنایع دستی و گردشگری صرف نظر از اینکه دست افراد سودجو را کوتاه می کند کمک به حفظ تاریخ و پیشینه این سرزمین خواهد کرد.

اشتغال ایجاد شده دستگاه های اجرایی گلستان راستی آزمایی خواهد شد

مدیر روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان گفت: اشتغال ایجاد شده دستگاه های اجرایی گلستان راستی آزمایی خواهد شد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان، محمدجواد احمدی در توضیح نتیجه نظرسنجی منتشرشده توسط خبرگزاری مهر اظهار کرد: هرساله برای استان ها سهمیه ای به منظور ایجاد اشتغال در نظرگرفته می شود که برای گلستان ۲۰ هزار شغل در سال ۹۷ تعهد شد که با نظر استاندار گلستان، این عدد به ۳۰ هزار شغل افزایش یافت. وی افزود: ۵۵ دستگاه اجرایی در استان با لحاظ تمام ظرفیت ها و توانمندی های خود در ابتدای سال سهم اشتغال ایجادی خود را مشخص کردند که به عنوان مثال اداره کل صمت هشت هزار شغل، میراث فرهنگی و گردشگری دو هزار و ۶۰۰ شغل، جهادکشاورزی دو هزار و ۵۰۰ شغل به عنوان سهمیه خود برای ایجاد اشتغال متعهد شدند و هر کدام از این دستگاه ها مسئول ایجاد اشتغال تعهدشده خود هستند.احمدی ادامه داد: سامانه رصد به منظور ثبت اطلاعات شاغلین و به عنوان بانک اطلاعاتی با ده ها آیتم نظیر نام و نام خانوادگی، کدملی، شغل، نشانی محل کار و غیره طراحی و در اختیار دستگاه های اجرایی جهت ثبت اطلاعات شاغلین قرار گرفته است و در این سامانه هوشمند، نظارت مستمر و مستقیم وجود دارد به صورتی که امکان ثبت مجدد شغلی که قبلا در سامانه به ثبت رسیده وجود ندارد.وی تصریح کرد: در چند سال اخیر راستی آزمایی از اشتغال ثبت شده در سامانه رصد صورت می گیرد و امسال هم حسب مصوبه کارگروه اشتغال استان، کمیته نظارتی با مشارکت مراکز پژوهشی، در چند مرحله و با مراجعه حضوری به محل کار شاغلین ثبت شده در سامانه رصد، راستی آزمایی انجام می دهند و نتایج آن هم در اواخر بهمن ماه در کارگروه اشتغال استان ارائه خواهد شد.احمدی خاطرنشان کرد: اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هر استان به عنوان دبیرخانه کارگروه اشتغال، سیاستگذاری های بخش اشتغال را پیگیری و نظارت می کند و دستگاه های اجرایی به عنوان ایجاد کننده اشتغال، سیاست های اشتغالزایی را اجرا می کنند. وی یادآور شد: اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم در کنار سایر دستگاه های اجرایی، برای سال ۹۷ ایجاد ۵۰۰ شغل را متعهد شده که تاکنون ۶۰ درصد آن را محقق کرده است.

افزایش تلفات رانندگی در کمربندی گرگان

در صد و دهمین جلسه شورای شهر گرگان با اشاره به افزایش آمار تعداد کشته شدگان تصادفات ۹۷ بیان شد که ایمن سازی و رفع خطر از معابر و ابنیه سطح شهر ضرورت دارد. به گزارش مهر، صد و دهمین جلسه رسمی و علنی شورای اسلامی شهر گرگان با حضور اعضای شورا و مدیران شهرداری گرگان برگزار شد.نائب رئیس شورای اسلامی شهر گرگان که ریاست جلسه را بر عهده داشت، با اشاره به وقوع یک فقره تصادف منجر به فوت در شامگاه ۶ دی ماه سال جاری در محور کمربندی شهر گرگان اظهار کرد: با از دست دادن این شهروند تعداد جان باختگان گرگان در معابر درون شهری در ۹ ماهه نخست سال به رقم ۱۴ نفر رسید.محمدابراهیم جرجانی با بیان این که این با کل آمار جان باختگان در ۱۲ ماهه ۹۶ برابری می کند، ادامه داد: هر چند دور برگردان های ایمن و پل های هوایی متعددی در محور کمربندی اجرا شده است اما با بروز این سوانح مبین آن است که این امکانات سخت افزاری هنوز به وضع ایده ال نرسیده است.به گفته وی باید برای این مسأله فکر جدی کنیم و همه دستگاه های دخیل در حوزه ترابری و حمل و نقل و پلیس راهور برای جلوگیری از استمرار روند این تصادفات اقدام عملی انجام دهند.جرجانی افزود: حداقل باید ترتیبی اتخاذ شود تا سرعت وسائل نقلیه عبوری کاهش و پل های مکانیزه و استاندارد این محور افزایش یابد. در ادامه رئیس کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر گرگان هم گفت: تعلل در اجرای پل های هوایی در محور کمربندی جایز نیست و باید طرح های که پروسه اداری آنها در شورای ترافیک انجام شده به مرحله اجرا درآیند. سیدمحمد مرتضوی گفت: برای ساخت هر پل مکانیزه رقمی در حدود یک و نیم تا دو میلیارد تومان هزینه می شود که این مبلغ در ازای حفظ سلامت شهروندان مبلغ زیادی نیست.فائزه عبدالهی، دیگر عضو شورای اسلامی گرگان هم گفت: دیوارکشی های پیرامون برخی از ابنیه و سازه های شهر ناایمن و پر خطر هستند.وی افزود: شهرداران منطقه باید شخصاً به پایش از مناطق استحفاظی خود بپردازند. در برخی از محلات یا نقاط مانند محله شیرکش یا کوی ویلا که در کریدور تردد و عبور و مرور دانش آموزان واقع شده اند، شاهد بناها و دیوارکشی های ناایمن هستیم که باید هر چه سریعتر ایمن سازی و رفع خطر از آن ها اجرا شود.در این جلسه مقرر شد شهرداری نسبت به شناسایی مناطق پر خطر اقدام و برنامه ای زمان بندی شده برای رفع خطر از این مناطق ارائه کند.همچنین سه لایحه وارده از سوی سازمان حمل نقل بار و مسافر شهرداری گرگان در حوزه های تعیین بهای خدمات عمومی حمل و نقل در سال ۹۸، اخذ بهای باربرگ و همچنین دریافت هزینه به منظور ساماندهی تاکسی های درون شهر در یکی از محورهای شرقی گرگان برای دومین هفته متوالی به کمیسیون عمران برگشت داده شد. لایحه شهرداری در خصوص اعمال تخفیف در هزینه های خسارت تاخیر برای تعدادی از فعالان حوزه ساختمان سازی، هزینه حق انشعاب فاضلاب شهری بازار ماهی و اجاره بهای کلانتری ۱۵ شهرک امام هم به تصویب نرسید. در پایان جلسه همچنین حمیدرضا آقاملایی، دیگر عضو شورای اسلامی شهر گرگان در لایحه ارائه شده از سوی شهرداری گرگان مبتی بر کمک ۲۵ میلیونی به هیئت جانبازان و معلولان واکنش نشان داد و گفت: ارج و منزلت جانبازان و معمولان واجب است اما سازمان فرهنگی و ورزشی اجتماعی شهرداری گرگان باید در تخصیص و دادن اعتبارات به هیئت های ورزشی از سلیقه گرایی پرهیز کند.وی افزود: چطور می شود که هیئتی که سال گذشته از ما پنج میلیون مساعدت مالی گرفته امسال مدعی دریافت ۲۵ میلیون باشد.

خبر

کشف و توقیف چند محموله کالای غیر استاندارد در گلستان

مدیرکل استاندارد گلستان از کشف و توقیف محموله های روغن ترمز، ضد یخ و لنت ترمز غیر استاندارد در گلستان خبر داد.به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل استاندارد گلستان، محمود فرمانی اظهار کرد: براساس گزارشات مردمی و با پیگیری و بازرسی های انجام شده توسط کارشناسان استاندارد در مراکز عرضه و فروش کالاهای مشمول استاندارد اجباری، محموله های لنت ترمز در گرگان، روغن ترمز و ضدیخ در شهرهای گنبد، آزادشهر و مینودشت کشف شد.وی افزود: محموله های تقلبی و غیر استاندارد با هماهنگی دادستانی و پلیس آگاهی شهرستان ها توقیف و جمع آوری شد و عوامل توزیع این کالاها طبق دستور دستگاه قضایی دستگیر و با تشکیل پرونده جهت طی مراحل قانونی بازداشت شدند.فرمانی از شهروندان خواست در صورت مشاهده محصولات فاقد نشان استاندارد و یا فاقد کد ۱۰ رقمی زیر نشان استاندارد، موضوع را به اداره کل استاندارد گلستان اطلاع دهند و یا با ارسال کد ۱۰ رقمی زیر نشان استاندارد به سامانه پیامکی از اصالت و اعتبار پروانه استاندارد فرآورده ها اطمینان حاصل کنند.بر اساس ماده ۱۵ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد هرگاه اجرای استاندارد در مورد کالاها و خدماتی، اجباری اعلام شود پس از انقضای مهلت های مقرر، تولید، تمرکز، توزیع و فروش اینگونه کالاها و خدمات بدون علامت استاندارد و یا بدون تأیید سازمان، ممنوع است و کالاهای مربوطه توقیف و با متخلف طبق ماده (۴۰) این قانون برخوردمی‌شود.

تصادف در محور گرگان به شاهرود ۳ مصدوم برجای گذاشت

مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان گفت: حادثه تصادف سه خودرو در محور گرگان به شاهرود سه مصدوم برجای گذاشت. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی هلال احمر گلستان، محمد علی هروی اظهار کرد: ظهر روز شنبه، سه خودروی ون، ماتیز و پراید در محور گرگان به شاهرود در محدوده نرسیده به سر علی آباد با یکدیگر تصادف کردند. وی افزود: این حادثه توسط ندای جمعیت هلال احمر گلستان اطلاع رسانی شد و بلافاصله نیروهای جمعیت هلال احمر پایگاه چهارباغ راهی محل تصادف شدند. هروی گفت: در این حادثه سه نفر دچار مصدومیت شدند که توسط تیم آمبولانس مداوا و درمان شدند.

دریابانی بندرترکمن چهار شکارچی غیرمجاز را دستگیر کرد

فرمانده پایگاه دریابانی بندرترکمن گفت: مامورین ناوگروه گشتی پاسگاه دریایی – مرزی آشوراده و خواجه نفس در حین گشت و پایش و عزیمت به مناطق مرزی در مناطق کم عمق و باتلاقی، چهار شکارچی متخلف را قبل از هرگونه اقدام برای نابودی پرندگان نادر این منطقه دستگیر کردند. سرهنگ حسین علی برجسته ملکی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: از این فرد ۴ قبضه سلاح شکاری و ده ها قطعه تیر ساچمه زنی کشف و ضبط شد. وی بیان کرد: طبق قانون، شروع به شکار جرم تلقی شده و مستوجب مجازات است. فرمانده پایگاه دریابانی بندرترکمن افزود: با وجودمسوولیت های سنگین دریابانی گلستان در حفظ و حراست از سرحدات آبی ایران در دریای خزر، مامورین این نهاد نظامی در راه حفظ و پاسداشت حیات وحش منطقه از هیچ کمکی به محیط زیست دریغ نمی کنند.

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجرائیه

احتراما بدینوسیله به آقایان محمدشیخ فرزند سیدالله بشماره شناسنامه ۲۰۸ بنشانی؛ بندرترکمن-خیابان مسجدقبا(متعهد) و نازمحمد مهمی زاده تراج فرزند چوپان بشماره شناسنامه ۲۴۷۶(ضامن) بشماره بایگانی ۹۷۰۰۰۴۹، ابلاغ می گردد با توجه به اینکه بانک سپه بندرترکمن، باستناد قرارداد شماره ۱۰۹۵۶۸۰۹۰ ـ ۹۵/۸/۲۳(قرارداد قرض الحسنه) جهت وصول مبلغ ۷۸/۲۵۷/۰۷۲ ریال بابت اصل و دیرکرد و سود که بمبلغ مذکور، روزانه مبلغ ۲۴/۹۰۴ ریال بابت خسارت تاخیر تادیه به مطالبات بانک افزوده خواهد شد، بدهی شما بابت پرونده اجرایی مذکور، علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده بکلاسه مذکور در شعبه اجرای این اداره تشکیل و در جریان اقدام می باشد، لذا چون طبق گواهی مامور اعزامی اداره پست بندرترکمن در آدرس های تعیین شده در متن اجرائیه و اعلامی بانک، مورد شناسایی واقع نگردیده اید و بستانکار نیز نمی تواند شما را معرفی نماید و برای این اداره نیز آدرس شما معلوم نمی باشد با درخواست بستانکار و باستناد ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد لذا چنانچه ظرف مدت ده(۱۰) روز از تاریخ انتشار این آگهی، که روز رسمی ابلاغ محسوب می گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرایی برابر مقررات علیه شما تعقیب و به جز این آگهی و آگهی مزایده در صورت بازداشت اموال، آگهی دیگری منتشر و صادر نخواهد شد.

حجت اله تجری ـ رییس ثبت اسناد و املاک بندرترکمن ـ ۲۳۰۷ م الف

آگهی‌های ثبتی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱)کلاسه شماره ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۴۲ مورد تقاضای خانم تاج بی بی قره دولاق فرزند قربانبردی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۳۵۲۳۷ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۵۸۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۱۱ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی بانو گرانمایه خواجه نفس واقع در اراضی بندرترکمن بخش۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲)کلاسه شماره ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۰۴ مورد تقاضای آقای مراد محمد شکیبا فرزند ارجب قلی به شماره ملی ۲۲۳۹۷۶۴۴۵۷ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۹۸٫۲۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۸۱ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای انامراد وطن خواه در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۰۶ مورد تقاضای خانم بی بی فاطمه انق فرزند عاشور قلیچ به شماره ملی ۶۲۸۹۳۸۶۳۵۲ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۱۱ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای آق محمد جعفری چوگان واقع در جاده آق قلا بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۴)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۳۰ مورد تقاضای آقای اسحق کر فرزند موسی به شماره ملی ۶۲۸۹۹۶۸۷۹۳ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با مزروعی به مساحت ۱۱۵۰۲۸۹ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۵۴ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای موسی کر واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵)کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۸۱ مورد تقاضای خانم قربان بی بی دانه فرزند رحیم بردی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۴۶۸۴۰ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۸۲٫۰۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۸۸۳ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای قربان تقان طاهر زاده واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۶)کلاسه ۱۳۹۷۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۶۴مورد تقاضای آقای عظیم محمد تراج فرزندنازمحمد به شماره ملی ۶۲۸۹۵۴۹۲۸۶ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۳۱۱٫۲۷ متر مربع، قسمتی از پلاک ۳۲۲ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی آقای گرگان کلته واقع در اراضی خواجه نفس بخش۵حوزه ثبتی بندرترکمن.

۷)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۸۱ مورد تقاضای خانم جمیله جمالی فرزند رجبعلی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۱۱۸۵۰ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۲۴۵۱ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای رجبعلی جمالی واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۸)کلاسه شماره ۱۳۹۷۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۳۰ مورد تقاضای آقای قلیچ محمد سید قلی فرزند عطا به شماره ملی ۶۲۸۹۶۹۳۵۹۱ نسبت به مقدار ۲۵۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۲۶۹ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای قربان محمد سید قلی واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۹)کلاسه شماره ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۸ مورد تقاضای خانم بی بی طواق کلته فرزند محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۷۰۵۵۸۱ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۴۱ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد کلته واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۰)کلاسه شماره ۱۳۹۷۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۳۴ مورد تقاضای آقای ایوب پنق فرزند حسن به شماره ملی ۲۲۳۹۵۸۸۲۲۵ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای ایوب پنق واقع در اراضی روستای سیجوال بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۱)کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۹۶ مورد تقاضای آقای محمد کلته فرزند سعید به شماره ملی ۲۰۳۱۰۶۳۰۳۰ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع تمامت پلاک شماره ۲۷۳ فرعی از ۳ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد بردی کلته واقع در اراضی روستای بصیر آباد بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۲)کلاسه شماره ۱۳۹۷۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۳۱ مورد تقاضای آقای ایش محمد سید قلی فرزند عطا به شماره ملی ۶۲۸۹۷۰۰۴۲۱ نسبت به مقدار ۲۵۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۲۶۹ فرعی از یک اصلی به مالکیت رسمی آقای قربان محمد سید قلی واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۳)کلاسه شماره ۱۳۹۷۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۶ مورد آقای محمد ایری فرزند ملا تاشلی به شماره ملی ۲۲۳۹۵۸۷۷۱۷ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۵۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۲۳ فرعی از ۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای حاجی اونق واقع در اراضی روستای پنج پیکر بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۴)کلاسه شماره ۱۳۹۷۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۲ مورد تقاضای آقای وهاب آرخی فرزند حاجی به شماره ملی ۵۰۱۰۵۵۹۹۶۱ نسبت به مقدار ۶۰۵۷۷٫۵۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۰۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۲۰ فرعی از ۱۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای علی گلدی آرخی واقع در اراضی آرخ بزرگ بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۵)کلاسه شماره ۱۳۹۷۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۰۱ مورد تقاضای آقای یعقوب گل فرزند حاجی محمد به شماره ملی ۶۲۸۹۸۷۹۵۳۷ نسبت به مقدار ۳۶۰۰۰ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۱۰۰۰۰۰ متر مربع به پلاک ۱۲۰ فرعی از ۱۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای علی گلدی آرخی واقع در اراضی آرخ بزرگ بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۶)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۵۹ مورد تقاضای آقای علی آرخی فرزند عاشر قلیچ به شماره ملی ۶۲۸۹۸۴۵۹۸۵ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۴۴٫۸۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۱ فرعی از ۱۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای حاجی اونق واقع در اراضی روستای آرخ بزرگ بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

هیات حل اختلاف مستقر در ثبت اسناد و املاک بندرترکمن بشرح آرای صادره با تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل از پلاکهای مندرج را تائید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شد پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد علیهذا به استناد ماده ۳ قانون فوق مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار و محلی آگهی می شود و از اینرو در صورتیکه اشخاص ذینفع به اراء فوق اعتراض دارند می بایست از تاریخ انتشار نوبت اول به مدت دو ماه (۶۰ روز) اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تسلیم و رسید اخذ نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست در دادگاه عمومی بندرترکمن نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تحویل نماید در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد .

حجت الله تجری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ترکمن- م.الف: ۹۷/۱۹۸
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۰ / ۱۰ /۱۳۹۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۶ / ۱۰ /۱۳۹۷

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

یادداشت

صداقت و نوشتار

سعیداسکندری

دیروز هنگامی که کتاب حدودا ۲۰۰ صفحه‌ای ترانه‌های اورشلیم از شاعر جوانی به نام ادریس بختیاری را می‌خواندم با خود گفتم چه ساده می‌توان هر هفته مجموعه‌ای از اینگونه نوشته ها آماده کرد شاید بگویید خوشبینانه است. به جای یک هفته می گذاریم یک ماه و قسم می خورم که این دیگر واقع‌بینانه باشد. اما این همه‌ی آن چیزی نیست که قصد گفتنش را دارم کتاب ادریس ذهن مرا به مسالخه‌ی ساده نویسی معطوف کرد و به این فکر کردم که ساده نویسی به چه معناست؟ به معنای شعری که به سادگی نوشته یا سروده می شود و سرودن یا نوشتن آن کاری است که از عهده‌ی خیلی ها بر می آید و زحمتی هم ندارد یا چیزی که به سادگی درک می‌شود و فهمیدنش نیاز به تلاش بیش از حد ذهنی ندارد و خواننده را به زحمت نمی اندازد اگر مورد اول مد نظر باشد که اغلب آنچه را به عنوان شعر متفاوت ، شعر زبان یا شعر دهه هفتاد می شناسیم هم می توان به سادگی و بر اساس چند فرمول از پیش آماده نوشت یا رویم به دیوار سرود طرفه آنکه در آنچه ساده‌نویسی نام داده اند با کشف وشهودی سطحی یا مضمون سازی نه‌چندان عمیقی مواجهیم که اغلب شعرهای اصطلاحا دهه ی هفتادی یا متفاوط از همان هم بی بهره اند و از طرفی شاعران ساده‌نویس قدر اقل با خود و مخاطب خود صادقند همانند که هستند و به اندازه ی بود باید نمود را رعایت می کنند همانند که می نمایند سطحی و گاه مبتذل حال آنکه متن شاعران متفاوط نویس اغلب مبتذل است اما شاعران این متن های مبتذل ادعاهای مبتذل تری -با توجه به وضعیت رقتبار متنهایشان – مثل آوانگاردیسم یا عمیق بودن دارند. اما اگر منظور ساده بودن درک محتوای آثار ساده نویسان است باید گفت اغلب شاعران متفاوط و پست مدرن و پیشتاز و اصطلاحا آوانگارد متنهایشان از نظر محتوی اصلا ارزش آن را ندارد که به دنبال کشف معنایشان برویم یعنی وقتی متن را کاملا آنالیز کردیم و فهمیدیم هم چیزی حتی در حد همان‌شعر ساده ی قبلا گفته‌شده نیز در آنها نمی توانیم یافت. از زیبایی هنری هم که عموما بی بهره اند. پس هیاهوی بسیارند برای هیچ و هیاهوی بسیار برای هیچ واقعا چه ارزشی دارد؟ هیچ

داستان کوتاه

دختر کوچولو و گرگ

جیمز ثربر

یک روز بعدازظهر، گرگ بزرگی توی جنگلی تاریک انتظار دختر کوچولویی را می کشید که یک سبد غذا برای مادربزرگش می برد. بالاخره دخترکی آمد که یک سبد غذا همراهش بود.

– «داری این سبد را برای مادربزرگت می بری؟».

دختر کوچولو جواب داد که همین طور است. بعد گرگ نشانی خانه مادربزرگش را پرسید و دختر کوچولو هم جوابش را داد و گرگ رفت و توی جنگل ناپدید شد.

وقتی دختر کوچولو در خانه مادربزرگش را باز کرد، دید یک نفر با لباس و کلاه خواب روی تختخواب خوابیده است. نزدیکتر رفت، اما در هشت متری تخت ایستاد چون فهمید مادربزرگش نیست و همان گرگ است. یک گرگ حتی اگر کلاه خواب هم سرش بگذارد، شبیه مادربزرگ نمی شود. انگار که بگویی آرم اسب ایرانخودرو* شبیه دونالد ترامپ* باشد.

سپس دختر کوچولو هفت تیرش را از توی سبد درآورد و شلیک کرد و گرگ را کشت.

نکته اخلاقی: این روزها مثل قدیم نمی شود دختر کوچولوها را فریب داد.

* در متن اصلی، برای نشان دادن میزان شباهت مادربزرگ با گرگ، از لوگوی شرکت سینمایی متروگلدوین که تصویر یک شیر غران در قاب عکس است، و کالوین کولیج، رییس جمهور وقت آمریکا استفاده شده است.

با توجه به فاصله زمانی نوشتن اثر و زمان حال، اسم ترامپ وارد کار شد؛ و البته چون لوگوی شرکت ایرانخودرو هم برای ایرانیها به اندازه لوگوی آن شرکت سینمایی برای آمریکاییها آشناست، ترجمه به این صورت انجام شد.

ترجمه : علی رایجی

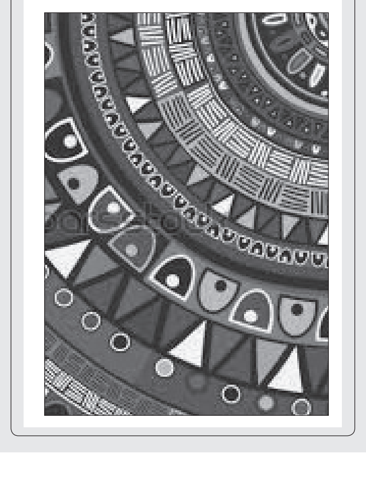

نقدی سریع و خلاصه بر نمایش ((اپیدمی)) ساخته ی رضا پورتراب زاده

شیوع بی دلیل

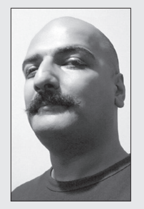

کیومرث سلیمانیان مقدم

اینکه از یک تیاتر بنویسی ، یعنی اصلن انگیزه ی نوشتن بشود برایت ، در این وانفسای تیاتر و سینمای ما، خودش بزرگترین امتیاز آن اثر است بنظرم . اپیدمی را دیدم . خسته نباشید رفقا . روی رفقا تاکید دارم چون رفیق اند اینها که قرار است ازشان بنویسم و اصلن هم همین رفاقت است که مهم است . و برای من حداقل ثابت شد رفاقت این رفقا . سعی می کنم جوری بنویسم که بتوانم بعدن از آن دفاع کنم . به خودمانی ترین شکل که بلدم . اپیدمی را دیدم و نپسندیدم . این نپسندیدن را ، به شماره و مرتب می گویم . و ضعف و قوتی که به چشمم آمد ، درهم و قاطی است در نوشته . مطمئنن ضعف کار بیشتر به چشم من بود ، ولی نمی شود از نقاط قوت گذشت ، که آنها را هم در کنار ضعف ها می گویم .

انتخاب نقش ها و بازی :

مجید عراقی :

انتخاب اشتباهی برای این نقش بود . من خودم با مجید هم بازی بوده ام و غیر از هم بازی و رفاقت با او ، چند تیاتر دیگر هم از او دیدم . چرا اشتباه ؟ میزان واقع نمایی بازی مجید ، با توجه به دانسته گی شخصی اش از بازیگری و تیاتر بسیار پایین است (که شاید این شناخت در آینده دچار دگردیسی شود) گفتم میزان شناخت از واقع نمایی و نه شناخت قابلیت های خودش . مجید ثابت کرده که در وضعیت های فانتزیک بسیار بسیار قدرتمندتر عمل می کند و کلن در آن موقعیت ها خلاق تر هم هست . که اگر قرار به استفاده از یک بازیگر با قابلیت های مجید در این نقش بود ، باید وضعیت خیلی پارودیک تر از این چیزی که بود می شد . که نشد . بنظرم اصرار به انتخاب این تیپ بازیگر بوده چون بازیگر مقابل مجید (نیکتافکاری) هم انگار قابلیت های فانتزیک بالاتری دارد تا واقع نمایی .

نیکتافکاری:

من از ایشان بازی دیگری ندیده ام و فکر کنم این هم اولین بازی جدی اش بوده . که باز هم انتخاب اشتباهی بود . با توجه به آنچه که در مورد مجید گفتم ، تمام شان کم و بیش در مورد ایشان هم می تواند صادق باشد . و خوب ، اگر قابلیتی هم در بازیگری داشتند ، به صورت ویژه و منحصر به فرد ، به هیچ وجه دیده نشد در این کار . هرچند صدایش ، قابلیت های پنهانی از خودش نشان داد که بنظرم همین می تواند نقطه ی قوت بازیگری اش باشد در آینده .

هومن صالحی :

یک انتخاب درست . البت بنظرم فقط در نقش نویسنده . نقش کافه چی ، یک ایراد کلی داشت . اینکه تنها مرز اختلافش با نویسنده ، برداشتن و گذاشتن یک کلاه بود و تغییر گل درشت صدای هومن . که امکانات حرکتی و تیک های شخصیتی بیشتری می توانست به مدد این گذاشتن و برداشتن کلاه بیاید و توفیرهای شخصیتی زیباتر و گیراتری را ارائه کند . که خوب پرداخت درست شخصیت نویسنده ، باعث یک بازی درست و به جا و اندازه بود بر خلاف کافه چی . که من مخاطب ، آن ایراد را به پای کارگردان و این قوت را به پای قابلیت ها و فهم بازیگر می گذارم که دلیلش پایین تر گفته شده .

مهدی کاویان :

درست ترین انتخاب این نمایش . بی کم و کاست و بدون حشو و اضافات . در ستایش بازی مهدی زیاد می توانم بنویسم که حیف مجال نیست . از تیک های زیبای حرکتی که به جا و درست استفاده می شد تا راه رفتن و صدایش ، که کاملن مشخص است ، انتخاب هوشمندانه ی خود مهدی بوده بی شک . همه چیز حرفه ای و شیک و بی غلط .

بگذارید همین جا این مسئله را روشن کنم که چرا قوت در بازی ها را از بازیگران میدانم و ضعف آنها را از ضعف کارگردانی . مشخصن ، یک دست نبودن بازی ها از انتخاب غلط و عدم کارگردانی درست می آید . وقتی کاری می بینی که تمام سطوح بازی در یک اندازه است (حالا مشخصن ضعیف نه . منظورم متوسط به بالاست) حضور و امضای کارگردان کار کاملن رویت می شود . چون بی شک اولین نمود کارگردانی تیاتر در بازی بازیگران خودش را نشان می دهد . حالا شاید اینجا رضاپورتراب زاده به من بگوید که تنوع بازیگر در این شهر و استان آنقدر نیست که دست من را باز بگذارد برای انتخاب . من می گویم هست . می شود نمونه آورد . شاید به آنها پیشنهاد داده و قبول نکرده اند . اوکی ، قبول . اگر همین انتخاب ها را داشتی باید و باید و باید ، ضرورت ها و قابلیت های هر بازیگر را پیدا می کردی و دیالوگ ها و میزانس های آن نقش را با توجه به همان قابلیت ها تغییر می دادی . که نشده .

حسین شمس :

به قول خودش سالهاست از تیاتر فاصله گرفته بوده . که اگر قابلیت های صدایی اش نبود ، در همین اندازه ی فعلی هم دیده نمی شد . با کمی تصحیح ، بازی کم غلطتری در می آمد . گرچه بازی اش برای من آزاردهنده نبود . و شخصیت به شدت محترم و جنتلمن حسین ، در اجرای نقش هم دیده می شد .

حمیدرضامیرزایی:

غلط ترین انتخاب و آزاردهنده ترین بازی. با توجه به متنی که من خواندم از علیرضاامیدی، این شخصیت اینقدر کمیک نبود . که همین کمیک بودن هم ، خنده دار نبود . من البته ایشان را نمی شناسم که امیدوارم در آینده تیاترهای بیشتری از ایشان ببینم . هرچند که از رفقا پرسیدم گفتند ایشان حرفه ای بازیگری تیاتر هستند.

علیرضاامیدی:

یک بازی به اندازه . فقط اینکه تغییر صدایش را نفهمیدم . این نقش می توانست خیلی راحت تر و ظریف تر بازی شود .

البته این را هم کلن بگویم . غیر از تغییر صدای مهدی کاویان و مهدی صفرپور که جلوتر می نویسم ، دلیل تغییر صدای الباقی بازیگر ها را نفهمیدم . بدترین در شهردار رخ داد و با دوز خیلی کمتر در کافه چی . نقش علیرضا هم بی دلیل تغییر صدا داشت . این مسئله بنظرم سالهاست برطرف شده ، که بازی تیاتری الزامن بازی گل درشت نیست . و بازی گلدرشت هم اولین نشانه اش تغییر صدای بازیگر است . که متاسفانه با تاکید دوباره این ضعف از کارگردان است .

محمدرضاصمیمی:

جناب صمیمی قابلیت های مشخصی در بازیگری دارند که سال های سال در حال تکرار همان قابلیت ها هستند .

داود سعیدی :

من کلن میمیک و فیزیک بازی داوود را دوست دارم . هرچند اینجا خیلی خوش ندرخشید. حداقل اینکه برای من خیلی برانگیزاننده نبود.

مهدی زنگانه :

بازی کوتاهی داشت . قابلیت های بازی مهدی نمی دانم همین است یا بیشتر از این . من دو یا سه کار ازش دیده ام ، که در تمام شان با توجه به همین قابلیت ها بازی کرده و چیز جدیدی ارائه نکرده است . گرچه خودش بیشتر دوست دارد شاعر شناخته شود تا بازیگر . حقیقتن مهدی شاعر قشنگی هم هست.

مهدی صفرپور :

به قولی غافلگیر شدم . من از مهدی یک تیاتر دیگر دیدم و یک سکانس در یک فیلم کوتاه با او هم بازی بودم . در هر دوی اینها چیز منحصر به فردی ندیدم ولی در این کار ، اجرای ویژه ای داشت . یکی از درست ترین تغییر صداها بود و ظرافت های حرکتی و شوخی ها ، به جا و درست . مهدی صفرپور ، مانند مهدی کاویان و هومن ، کاملن درک کرده بود که نگاه به بازی تیاتری چقدر کار می کند . تصوری که بازیگران سنتی تر فقط در صدا و حرکت های گلدرشت می بینند . حقیقتا از بازی هومن صالحی و مهدی کاویان و مهدی صفرپور ، کاملن لذت بردم .

بازیگران فرم :

غلط غلط غلط . حرکات فرم ، فقط حرکت داشتند ، فرم نداشتند . حرکت فرم ، یک المان نمایشی است که نیاز به ظرافت های حرکتی بسیار بالایی دارد و کاملن باید چشم نواز باشد . اگر قرار است ما با فرم طرف باشیم ، این حضور در اپیدمی فرم نبود . فقط حرکات های دسته جمعی و خالی از ظرافت ، که طراحی های به شدت دم دستی ای هم داشت . چند سالی است که رضا پورتراب زاده گروهی دارد به نام یسنامهر (امیدوارم درست نوشته باشم) که چه تلاش بی نظیر و درست و عزیزی است اینچنین کاری . واقعن دورهم نگه داشتن این تعداد آدمی که رضا در گروهش دارد و تمرینات مداوم و همیشه گی ، کار سخت و طاقت فرسایی است . این بازیگران فرم ، از بچه های همین گروهند . بنظرم یا تمرین های فرمیک غلط بوده یا انتخاب بازیگران فرم . می شود روی شکل اجرای فرم ، حضوری بیشتر حرف زد . تمام این حرف ها کاری به حضور مفهومی حرکات فرم نداشت . که واقعن دلیل معنایی یا اجرایی هم اشاصلن مشخص نبود . کاملن به کار سنجاق شده بود و متاسفانه همین آویزان بودن هم درست از کار در نیامده بود . غلط اندر غلط .

بازیگران روزنامه فروش و مجری تلویزیونی هم تاثیری به اندازه ی بازیگران فرم داشتند و پر کننده ی کار . چیز خاصی ندیدم از بازی شان . البته از انصاف نگذریم ، نقش روزنامه فروش اجرای قابل قبول تری داشت .که البته نقش های ویژه ای هم نبودند . شاید در آینده

برسیم به متن :

یک نقش از این متن ، به من هم پیشنهاد شد . درگیر کار با پورنیک کاوش بودم ولی خواندم . شاید چون در گیرودار تمرین تیاتر دیگری بودم قبول نکردم ولی حقیقتن یک دلیل مشخص دیگر هم داشت ، که به اندازه ی همین متن به آن می پردازم . قبلش بگویم ، که این متن (اپیدمی) با تمام متن هایی که در دو سال گذشته به من پیشنهاد شد ، یک توفیر اساسی داشت و آن هم جسارت در طرح موضوعی بود که می توانست شکل انتقادی به خودش بگیرد، که نتوانست متاسفانه . البته متن سال پیشو پیشتر بهمن ولیان که اجازه ی اجرا هم نگرفتندهردو ، این نگاه انتقادی را داشتند و آنجا بنظرم درست تر و دقیق تر هم بود .

شما قرار است دنیایی خیالی ، یک شهر خیالی ، عالمی خیالی را بنویسی . یک ناکجا که اسمش هم ناکجاست. nowhere city . پس چرا فقط به اسم مکان و نقشه ی این شهر اکتفا می شود ؟ چرا المان های دیگر این ((ناکجایی)) وارد کار نمی شود ؟ چرا شخصیت ها نباید اسم ((ناکجایی)) هم داشته باشند ؟ چرا این ناکجا باید مولفه های شناسای یک فرهنگ و زبان دیگر را یدک بکشند ؟ چرا روحانی شهر باید کشیش باشد ؟ چرا نباید یک دین جدید برای این دنیای جدید خلق کرد ؟ چرا اسم ها مشخص باید انگلیسی باشند ؟ چرا زبان این شهر من درآوردی نباشد ؟ زبان من درآوردی ای که ، از جایی به بعد نمایش ناخودآگاه فارسی می شود ؟ (چه ایده ای ، کیف کردم) چرا مامور قانون حتمن باید کلانتر باشد ؟ چرا نشانش حتمن باید ستاره و آن کلاه معروف باشد ؟ شهردار و قاضی که همیشه شهردار و قاضی اند . چرا اصلن اسم شهر باید nowhere city باشد ؟ چرا یک اسم بازهم انگلیسی ؟ فکر نکنم نیاز به توضیح باشد ، که مصداقی حرف زدن راجع به چراهای من خیلی چیز سختی نیست . پس مثال هایش را نمی آورم . همین انتخاب ها ، ذهنیت های از پیش آزموده ای را احضار می کند ، که مصادیق درست تر و کارشده تر و به جاتری از آنها دیده شده . اتفاقن فکر می کنم که اگر قرار است به وجه انتقادی کار نزدیک شویم ، آن شکل ارائه می توانست صورت بندی های تاویل پذیرتری را ارائه کند . من خودم اصلن علاقه ای به تاویل و ارجاعات بیرون متنی به این شکل نمادین ندارم . ولی اجراهای درست ، ستونی از کار در میآیند . قابلیت هایی که در بالا گفته شد ، ناخواسته چیزهایی را به مکان و جغرافیا و فرهنگ و آدم های این نمایش اضافه می کرد که منحصر به فرد بودنش ،کاملن رویکردهای دیگری را در نقد و نمایش جلوی مخاطب می گذاشت . البت این رویکردی که اگر ((ناکجایی)) نامگذاری اش کنیم ، نیاز به جسارتی داشت ، که نباید نگاه به مخاطب عام جزو ملزومات نوشتن اش می شد . کلن تیاتر و سینمای ما به صورت دائم در حال باج دادن به تماشاگر است . و بی تردید ، این باج دادن ، یکی از بزرگترین پاشنه آشیل های تیاتر و سینمای ماست .

و اما کارگردانی :

رضا پورتراب زاده ، کارگر این تیاتر است . همه کار کرده . بی جیره و مواجب . طراحی پوستر کرده . بازی کرده . نوشته . نور بلد است . طراحی صحنه می داند . کارگردانی هم کرده . کسی که کنار هم و یک جا بتواند اینقدر کار کند ، در همین ولایت ما خیلی خیلی کم می شناسم . خلاصه اینکه دم اش گرم . کار دیگری نمی کند و کلن ارتزاق هنری و غیر هنری اش تیاتر است . رضا در تیاتر این شهر زحمت زیاد کشیده . ندیدن این زحمت ، جدای از بی انصافی در حق رضا ، بی انصافی نسبت به هنر و هنرمند این ولایت هم هست . معلوم است که اینها را نوشتم که فریاد بزنم می دانم . و البته اینکه نشان بدهم این دانستن نباید مانعی بر نقادی ذهن موشکاف و دقیق شود . و بی شک تمام این عالم ، رفاقت است .

بارها این را شنیده ایم که کاری به اندازه ی ادعایش نبود . در مورد اپیدمی کاملن این حرف مصداق دارد . خروجی کار به اندازه ی ادعایش نبود . چند چیز هم زمان با هم نشان دهنده ی این ادعا هستند .اول میزان هزینه ای که اینکار برده . اگر در جریان ساخت هم نباشی ، که من بودم ، می شود خیلی راحت فهمید که لباس و دکور و اکساسوار و انیمیشن کار ، کم هزینه ای نداشته . البته که این پر هزینه گی در قیاس با تیاترهایی است که در همین ولایت و شهرمان به اجرا می رسند .وگرنه که این رقم ها در تهران بیشتر شکل شوخی است . درست که هزینه به این میزان ، جرات می خواهد ولی بی استفاده ماندن این هزینه ، فقط یک به رخ کشیدن خشک و خالی می شود . من نمی توانم خیلی صریح از علائق رضا بگویم ، ولی کم و بیش می شود فهمید که یک سری از ((اولین ها)) برایش مهم است . اولین کسی که ماشین روی صحنه ی اجرا می آورد . اولین کسی که با این تعداد بازیگر کار می کند . اولین کسی که ... این ((اولین ها)) انگار برای رضا مهم تر است تا متن کار . نمی دانم چرا احساس می کنم بازیگر ها ، خودشان جایشان را در صحنه پیدا کرده اند . یعنی میزانسن درستی ندارد کار . البته که ، این حرف من می تواند قابلیت و خصیصه ی این نمایش باشد . ولی این عدم میزانسن (اگر قصد و انتخابی از سر عمد بوده) باید در رفتار و بازی بازیگران هم ، با توجه به این بی مکانی و بی مختصاتی روی سن ، دیده می شد . که نیست و نشد . بازی ها بی انعطاف و خط کشی شده و میزانسن ها شلخته و بدون حساب .

تمام حرف هایی که زدم نافی تلاش و سعی بی چشم داشت رضا پورتراب زاده و گروهش نیست . تلاشی که بیشتر اوقات مزدی ندارد و فقط عشق است و عشق . بالاخره اینکه بازهم می نویسم و دوباره و دوباره هم خواهم گفت که : دم شان گرم .

در آخر بگویم که این پیشنهاد من برای افرادی است که می دانند و می توانند بنویسند . آنها که مغرضاند ، داستان دیگری دارند و دستشان برای همه رو شده . ولی بنویسید از تیاترمان . نقد کنید . به گپ و گفت بنشینید . تابوهای ذهنی و فردی بی دلیلی که ساخته اید را ، ویران کنید . هیچ کس کامل نیست . با خودمان تکرار کنیم که هیچ کس کامل نیست . مثلن اینکه شاید روزی در همین صفحه از جناب فرشید مصدق نوشتم که با تمام احترامی که برایشان قائلم و احترام و محبتی که بی حد و اندازه همیشه و همیشه به من داشته اند ، چرا از تیاترشان لذت نمی برم .

فعلن تا آن روز ، خدا به من رحم کند .

در جستجوی رستگاری از دست رفته

محمد شعبانی -سالهاست در مورد ادبیات مدرن و تجربه های متفاوت پیرامون آن از زبان منتقدان و ادیبان داخلی و خارجی می شنویم و بارها از زبان اهل فن پیرامون تجربه نکردن مدرنیسم همچنین ادبیات آوانگارد درون ایران و زبان فارسی شنیده ایم . اما تا چه اندازه این موضوع صادق است ؟ و به چه میزان می توان در رد یا اثبات این مدعا ادله آورد؟

دو دیدگاه کلی درباره ی جنبش آوانگارد و به تبع آن مدرنیسم ذکر می شود که بد نیست در ابتدا خیلی گذرا آنها را مرور کنیم.

«یکی از این دو دیدگاه بر مبنای تقابل های متغیر و ظاهرا بی پایان میان انجماد و انحلال،بازنمایی و زندگی،فروبسته گی متافیزیکی و ساخت شکنی، کلی و جزیی و کمیت و کیفیت شکل می گیرد و دیگری بر مبنای مشاهده ای تاریخی پیش می رود که بر اساس آن رسانه های همگانی و گفتمان های رسمی و ایدئولوژیک سعی دارند زبان های شخصی افراد را تخریب و مصادره کنند و آن ها را در جهت اغراض سلطه آمیز به کار گیرند. این شکل از تفکر شرایط مصادره ای افکار در برابر شرایط اتوپیایی قرار می دهد که در آن گروه های اجتماعی تحت سلطه بار دیگر زبان های خود را در اختیار می گیرد...» (پیتر بورگر ص ۱۲) با این مقدمه در فرصت کوتاه رو به رو قصد دارم اثبات کنم کتاب سفر سفر وحید داور اثری مدرن است و این میان از نظریات و آثار پیشانی نوشت مدرنیسم در شعر یعنی تی.اس.الیوت نیز استفاده خواهم کرد. کتاب مذکور با طرحی از البرشت دورر از همان ابتدا شما را با دو تقابل لباس و بدن و همچنین صورت معنا رو به رو می کند.

نام اثر study of the drapery (طرحی برای آرایش چین و چروک لباس) است. در واقع نام طرح می خواهد با برجسته نمایی موضوع لباس خود را از خودکار شده گی بیرون بکشد و به اهمیت آن در یک اثر هنری بپردازد. اما در خود طرح با گذاشتن یک نشانه و نقطه فوکوس یعنی پای سوراخ شده ی مسیح چیز دیگری را به نقطه نظر شما ارائه می دهد و آن مسیح بی سر و صورت در اثر هنری حاضر است از این رو تقابل لباس و تن و آراستگی و فیگور از یکسو و تقابل نبودن سر مسیح و اکتفا به شنل معروف و پای مسیح از سوی دیگر اثر را دچار چالش می کند این چالش و تقابل در سر تا سر متن کتاب به چشم می خورد مخاطب در مواجه با سفر سفر با راوی و شاعری رو به روست که در لباس شعر به دنبال رستگاری می گردد. او معنا را طلب می کند و به دنبال رستگاری ست که از شعر رخت بربسته و جز آرایشی بر او نمانده است(در شعر خویش چه میبینی؟ و رستگاری تو در چیست ؟... _ شبانی ۲)

در این راه شاعر سفر سفر در خود رسالتی پیامبر گونه می بیند از آن دست که بلیک گمان می برد و در ارائه این رسالت مادام در حال تردید و دوگانه گی ست (پیامبر اگر بودم، راستی/آن مرد آفتاب سوخته ی چارشانه ، با پیکر برهنه ام چی میکرد؟..._ شبانی ۴ ص ۲۳، دور است پیدایم کنند /دور است با چرم خشک سندل به استخوان کعب و /صلیب چغر بر کتف ..._ آواز ایروانی ص ۳۸، گیرم بلیک روزی که طیاره نبود از شاعران پیامبران گفته ست /حجت تمام نیست! /من با شما از شاعر – پیامبر – خلبان حرف میزنم ..._ خلبان ، اسماعیل خوبی ص ۵۲) می گویم بلیک نه تنها به دلیل آوردن نام او در کتاب سفر سفر و نه به خاطر تحت تأثیر ادبیات مسیحی و فرهنگ مسیحی قرار داشتن هر دو بلکه به نوعی این موضوع همانند نگاه بلیک تلقی رمانتیکی از شعر است که در کنه ی خود رفتاری مدرن است و اگر با پوجولی هم نظر باشیم (کیش بداعت و غرابت پیش از آونگارد بودن عمیقا رمانتیک است) (بورگر ص ۶). اما جدا از این تقابل و کش و قوس های وحید داور برای دستیابی به رستگاری که چیزی از آن نمانده حتی بر نقاشی های رافائل (شبانی ۱۰) او رفتار دیگری در سرایش شعر دارد که آن نیز نوع دیگری از رفتار مدرنیسم است. سفر سفر کتابی ست که به خوبی چالش های زبانی مدرن را درک می کند. ادای دین و اقتباس از هوراس یادآور اهمیت شعر در نزد هوراس است و اعتماد شاعر به نگاه هم کیش و ادیب رومی خود به مقوله ی شعر است (بحری). هوراس شعر را متعالی و جدی می داند و نه وسیله ی تفریح از همین رو شعر برای او پیچیده و دشوار است. به نظرش شعر در سنت یونانیان معنی پیدا می کند و به آهنگ شعر اهمیت ویژه ای می دهد. در اینجا نیز وحید داور با استفاده ی به جا از بینا متنیت و نشانه، نمادها و اساطیر به خصوص عهد عتیقی و همچنین زبان فولکلر (چناک، تش، گدار) و آمیختن زبان قدیم به واژه های امروزی (یوتیوب، آیفون، ایجکت) متن را از راحت الحلقومی شاعران ساده انگار زدوده و مخاطب را به کنکاش در زبان و فهم معانی چندم واژه ها در کنار موسیقی کلام وا می دارد. در این راه گاه پیش می آید که برای یک معنا چند کلمه را به خدمت بگیرد (صلیب، چلیپا، خاج)

و یا به یک تصویر یا اشاره برای مقصود خود اکتفا کند (گربه ی براق با نام دیگر اف ۱۴–تام کت) (فوج سیه بال بعل از شیطان یا خدایگان مگس ها نیز) اشعار این کتاب از دل سنتی بیرون می آید که به تعبیر الیوتی قضیه کانون ارزش شعر را می سازد یعنی الگویی که از احساسات ساخته می شود کانون شعر است. الیوت معتقد بود شاعر با امکانات مرسوم و سنت ها به داد و ستد می پردازد و امکان جدیدی با شعر به وجود می آورد. او بیان می کرد هیچ شعری آزاد نیست و تمام آثار مثبت و معتبر به سنت تعلق دارند. اثر شعری افضل است که با سنت های ادبی گره خورده و به بیان های گفتاری مروج نیز باز نمی گردد(سنت و استعداد فردی). در واقع سنت مورد نظر الیوت همان فرادهشی ست که قرن هاست با زبان ما در حال دادو ستد است و سلب و واپس گرا نیست. همچنین او در (هم بستگی عینی) توجه به متن خارج از نویسنده و اصل شخصیت زدایی را مورد مداقه قرار می دهد و معتقد است هنر باید با موقعیت ها، طبقات و موضوعات عینی به واسطه ی نمادهای جامع و فراگیر به القای احساس غیر مستقیم در مخاطب بیانجامد. در اینجا وحید داور نیز با انتخاب زبان آرکائیک و ایجاد پل ارتباطی بین آن و زبان فولکلر و همچنین زبان امروزی سعی در نشان دادن گسلی دارد که به قول بارت ایجاد لذت میکند (اشعاری چون آواز ایروانی، خلبان، اسماعیل خویی و سپیده رئیس دانا...). درست که شعرهای او به خصوص در طریقه ی به کار بردن زبان از دل سنتی ریشه دار بیرون می آید اما امکانات و ایده های شعری جدید در آشعارش نسبت آنها را با سنت مربوطه یک کپی محض نمی کند و طرحی نو در می اندازد به عنوان مثال در شعر شبانی ۱۰ زیر نام عنوان سر تیتر «کرنش به رافائل» آمده و شما را آماده ی رو به رو شدن با فضای نقاشی های تصویرگر بزرگ رنسانس میکند. اما شما با توصیف محض درون شعر رو به رو نیستید.ابتدای شعر اشاره به تابلوی مریم انسیدی (Ansidei Madonna) دارد تابلویی که مریم و عیسی مسیح نوزاد در مرکز قرار دارند و یحیی و اسقف سنت نیکولاس در طرفین، اما شاعر تنها با اشاره ای از این تابلو می گذرد. این تابلو در واقع جایی ست که راوی مخاطبش را در درون آن می یابد بی اینکه به شرح ماجرای آن بپردازد .محل توصیف راوی اما تابلوی دیگری از رافائل است و آن تابلوی تصلیب موند (Mond crueitixion) که شرح به صلیب کشیدن مسیح را به تصویر می کشد. راوی این شعر در واقع مسیح است و یکبار دیگر شاعر پیامبر ما از زبان مسیح یحیی را مورد خطاب قرار می دهد . سوال اینجا پیش می آید که چرا وحید داور راوی را از یک تابلو و مخاطب را از تابلوی دیگر انتخاب کرده و چرا از بین تابلوهای رافائل بزرگ که عمدتاً مضمونی دینی و موضوع مسیح را در بر می گیرد این دو تابلو مورد توجه قرار گرفته اند با کمی مداقه در شرح حال امروز عین این دو اثر گرانقدر متوجه خواهید شد که هر دو اثر در موزه ی نشنال گالری شهر لندن و در محل کرنش به رافائل رو به روی هم قرار دارند. در واقع شاعر ما بدون اینکه به آن اشاره ای نماید. از موزه نه به عنوان یک فضای مارکتینگ و تبلیغی بلکه قسمتی جدا نشدنی از اثر هنری استفاده کرده و با استفاده از رگه های تکنیکی دراماتیک مونولوگ هر دو تابلو را یکبار دیگر به صورت زنده روبه روی هم قرار داده در این راه بعد زمان و مکان هر دو تابلو به دلیل دلالت موزه از بین رفته و شما با اثری دیگر گونه رو به رویید که شناختنش از سنت های هنری ماقبل و امروزین، آن را ارزشمند و تأثیر گذار می کند. این رویه در شعرهای دیگر نیز به چشم می خورد. به عنوان مثال عناوین شعرهای او به سنتی شعری بر می گردد که صد البته درون متن به هیچ عنوان شما نعل به نعل با همان سنت رو به رو نیستند بلکه یا مانند چکامه اف ۱۴ با پارودی یک عنوان و موضوع آن رو به رویید یا مانند شبانی ها و اخوانیه با نگاهی دیگر گونه به این قالب های پیشینی در سنت شعر فارسی و انگلیسی مواجه می شوید. شبانی ها که بخش اعظمی از کتاب را تشکیل می دهند علاوه بر داشتن آیرونی که اشاره به نام دیگر مسیح دارد (در کل شعر رستگاری را در وجود مسیح می یابیم) به سنت شعر پاستورال در ادبیات انگلیسی بر می گردد اما با کمی دقت متوجه خواهیم شد که چند اصل را در این سنت نادیده می گیرد و با رویکردی دگرگونه به اشعاری به اصطلاح ضد پاستورال رو به روییم. در شعر پاستورال تکیه بر صفا و صمیمیت روستایی و طبیعت گرایی و ستایش زندگی به دور از شعر است .اما شما در شبانی های سفر سفر اغلب با مهاجری در حسرت از دست رفتن آن همه صمیمیت و به اصطلاح ایمان و رستگاری طرفید. در شعر پاستورال هیچگاه نکات منفی جهان بیرونی منعکس نمی شود و سراسر مثبت و خوش قریحه گی ست که عکس آن در سفر سفر شما با جهان مدرن و از هم گسیخته مواجهید که آن پرنده ی کوچک از قلب ها گریخته را فراموش کرده است.

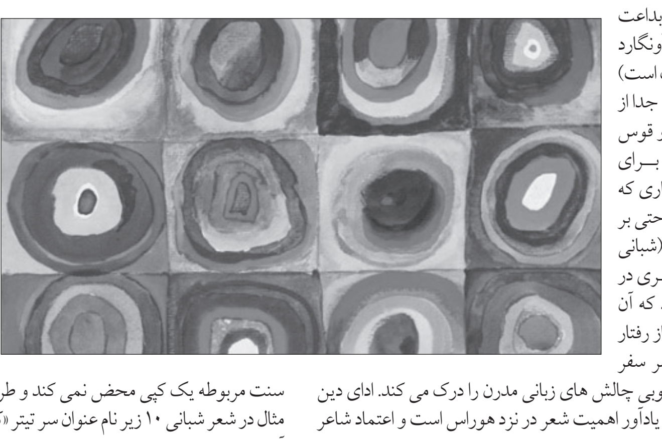

شاعر–پیامبر ما در اخوانیه حسرت را جستجو میکند و در مکاشفه آگاهی از خواب، در چکامه اف ۱۴ پارودی هبوط را ترسیم می کند، در آواز ایروانی نسل در نسل نامش با مرگ عجین می شود حتی سرزمینش یادآور ترور و اعدام است، او در شعر سفر سفر شاعری مهاجر در عمل گناه آلودش با زبان با زایش شعرش در سرزمین برج بابل بی آنکه کسی زبان کسی را فهم می کند از کشتی نوح پیاده می شود و بر زمینی دیگر هبوط می کند. داور با سنت ادبی و نقاشی غرب داد و ستد می کند از سنت زبانی و ادبی فارسی قرض می گیرد تا با نمادهای مختلف از داس و چکش کرفته تا گاو طلا و سریر و چلیپا به القای احساس غیر مستقیم در خواننده اهتمام بورزد. و از اینرو دین خود را به بزرگ شاعر مدرنیسم، الیوت ادا می کند. او نه تنها حتی المقدور در نوع نگارش و به کارگیری زبان های محاوره ، فولکلر و زبان قدیم بلکه در پرش معنایی و حذف پاساژ به واسطه ی روایات برون متنی و استفاده از اشارات بینا متنی که بارها در اشعار مدرنیسم به چشم می خورد متأثر از الیوت بزرگ است. به عنوان مثال در شعر چناک هنگامی که از اسب دردانه فلیپ ناگهان خود را میان مهاراجه ها و دوشیزه گان ساری پوش و دستان شیوا می بینید تنها دلیلش را زمانی متوجه می شوید که بدانید در متون بیرونی ابو سفال اسب اسکندر دردانه فیلیپ بعد از تمام اسطوره پردازی ها حول و محورش در کنار رود سند و در هندوستان می میرد و آن برش روایی در کتاب مذکور هم ذات پنداری بین راوی و اسب مذکور صورت گرفته به همین دلیل پاساژ لازم حذف به متون دیگر شده و امکان سپید خوانی را مهیا کرده. اما در انتها تنها یک سوال بزرگ باقی می ماند شاعر–پیامبر–مهاجر ما در کتاب حاضر تا چه اندازه ای توانسته سنت های مسیحی و روایات و نمادهای کتاب مقدسی و جامعه ی هجرت – جای غربی را در فرهنگ ادبیات فارسی جا بندازد ؟ و چقدر نظرگاه مدرنیسم با تمام آموزه های تئوریک او در کتاب پیش رو فارسیزه شده است؟ به گمانم این ها سؤال هایی ست که به ارتباط مخاطب با این شعرها بر می گردد. مخاطبی که با آن ارتباط برقرار کند به موفقیت وحید داور اذعان خواهد داشت و مخاطبی که در این سرزمین احساس غربت کند او را متهم به عدم ارتباط می کند. اما لازم است یکبار دیگر نظر هوراس را در آخر یادآوری کنم نظری که الیوت و آبای ادبی او نیز در عمل به آن تاسی می جستند:

«شعر متعالی و جدی ست و نباید وسیله ی تفریح باشد. شعر دشوار و پیچیده است و مهارت در آن سخت».